

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محسن اخوی
۱۰ می ۲۰۲۲

بحران کنونی اوکراین و مسببانی اصلی آن



بحران اوکراین آیا واقعه ای خلق الساعه ، فی البداهه و صاعقه ای در آسمان بی ابر سیاست جهانی بوده است ؟ پاسخ این پرسش را شاید بتوان با مرور سریع اما با دقت تاریخ سه دهه گذشته به دست آورد.

در تداوم عملی جنگ سرد و در پی گسست سریع شیرازه های داخلی اتحاد جماهیر شوروی و حمایت برنامه ریزی شده امپریالیستی در شتاب دادن به آن، قرار بر این شد که سوسیالیسم و تجسم آن، شوروی و «اردوگاه شرق»، و هر آنچه نام و نشان و رنگ و بوئی از آن داشت، از صحنه جغرافیای سیاسی جهان حذف شود؛ و جای آن را لیبرالیسم و تمامی تجلیات امپریالیسم به فرماندهی امریکا به عنوان تنها ابرقدرت مطلق بی رقیب جهانی پر کند. فروپاشی اقتصاد شوروی و حمایت همه جانبه از مافیای الیگارش در غارت اموال عمومی پرمایه کشور؛ و ایضاً ایجاد اغتشاش و ناامنی و راه اندازی کودتا یا انقلابات رنگی در جمهوری های سابق و تشویق به جدائی از اتحاد فدراسیونی، در دستور فوری کار قرار گرفت. اوکراین یکی از اولین جمهوری ها در این لیست بود که تصمیم به جدائی و ستیز و نزدیکی تدریجی به غرب گرفت.

در گرماگرم این شوک تاریخی اواخر قرن بیستم ، تنها فروپاشی سیاسی و اقتصادی و جغرافیایی کافی نبود. باید با تضعیف و محاصره نظامی ادامه می یافت. سازمان دفاعی ولرسا خود را منحل کرد. اما سازمان نظامی و بازوی کشتار امپریالیستی ناتو نه تنها منحل نگردید، بشدت تقویت هم شد و با بلعیدن اردوگاه شرق سابق ، تا نزدیک ترین

مرزهای روسیه گسترش یافت. حتی مرده شوروی هم که هنوز بوئی در روسیه داشت کابوس شب بی خوابی های کل غرب بود. همین روسیه در هم شکسته هم می بایست تکه تکه می شد. چین هم در حال عروج بود و بر هراس امریکای ترسان از رقیب می افزود.

کل جهان امپریالیستی و ناتو، با تغییر رویکرد روسیه از سیاست محافظه کارانه و منقاد به سیاست خودباوری و بازیابی استقلال از دست رفته، شمشیرها را از رو می بندد. محاصره همه جانبه اقتصادی و سیاسی و جغرافیائی و نظامی تاکتونی پاسخگویی امیال امپریالیستی سیری ناپذیر نبود. شوروی - روسیه محبوب خلق های جهان می بایست در عرصه ایدئولوژی و فرهنگ هم تخریب و در هم کوبیده می شد.

شوروی - روسیه و ایضاً چین ستیزی باید به یاری تمامی ترفندهای فشاری تاکتونی امپریالیسم می آمد. از بیش از یک دهه پیش، فعالیت های تبلیغی، ایدئولوژیک، فرهنگی و مطبوعاتی در این جهت شدت و حدت بیشتری پیدا کرد. «دنیای آزاد» در تحریف و تخریب و بی اعتباری هستی انسانی و نوع دوستی و صلح خواهی شوروی - روسیه، وقاحت را به حدی رسانده که حقیقاً واژه ای برای توصیف آن نمی توان یافت. تمامی مظاهر انسانی، فرهنگی، هنری، ادبی و حتی ورزش جهانی روس، تحریف و به تدریج حذف شده و به محاق نیستی و فراموشی افتاده است. بیش از یک دهه است مطبوعات نوشتاری و صوتی تصویری اروپا و امریکا، که دست کم در اروپا از نفوذ بالای چپ رنگین کمائی و سبزه های مدعی صلح خواهی برخوردار است، روسیه و چین ستیزی را در اولویت برنامه های خود قرار داده است.

با آغاز بحران کنونی اوکراین، کشور محل زیستم که مدعی صلح و آرامش هم می باشد، تصویر یوری گاگارین شوروی که آرم برنامه تلویزیونی دانش بود را حذف کرد و فرود لوی آرسترانگ امریکائی به ماه را به جایش گذاشت. نام های روس در خیابان ها و اماکن کشور را حذف می کند و اسامی اوکراینی می گذارد. همکاری ورزشکاران متمایل به روسیه را تعلیق می کند. ادبیات و هنرمندان روس را محروم و هر چه را از اوکراین و امریکاست برجسته می سازد. گزارش های بغایت یکطرفه از جنگ و درگیری هم که خود داستان دیگری دارد و جز حالت تهوع از وقاحت و دروغ پردازی و جنگ افروزی ژورنالیستی لیبرال فاشیستی، چیزی به آدم نمی دهد. وقاحت لیبرالیسم زمانی دو چندان می شود که از وجود سانسور و حقیقت گریزی در دنیای ناسازگار با امپریالیسم و لیبرالیسم شکوه ها دارد. عملکرد همین ژورنالیسم «دنیای متمدن» البته در «دنیای غیرمتمدن» یوگسلاوی و عراق و سوریه و لیبیا و فلسطین و امریکای لاتین و گوش تا گوش جهان نیز همین سان بود تا که در اوکراین ۲۰۱۴ به اوج رسید.

با انجام کودتای امریکائی - فاشیستی در اوکراین ۲۰۱۴، موج و هجمه روس ستیزی توسط امریکا در جهان و خصوصاً در اروپا ابعاد بی سابقه ای پیدا کرد و آماده سازی افکار عمومی جهت پذیرش اقدامات آتی علیه روسیه، برنامه عملی دول امپریالیستی و نوچه های دور و نزدیک آن شد. به موازات تبدیل اوکراین در مدت هشت سال به زرادخانه سلاح های ناتو و مجمع مستشاران نظامی و سیاسی برای روس زدائی و فشار بر روسیه تا حد تهاجم و تسخیر حداقل بخش هائی از آن، همزمان تبلیغات گسترده ای مبنی بر حمله عنقریب روسیه به اوکراین و حتی کشورهای ناتوی هم مرز با روسیه برنامه روتین نهادهای سیاسی و نظامی و مطبوعاتی غرب و اقماری آن گردید.

اکثر مطبوعات داخلی ایران؛ و کلیه بلندگوهای هوچیگر ایرانی خارج از کشور به انضمام چپ رنگین کمائی سترون و اخورده و «شخصیت ها» ی ملون سیاسی - فرهنگی، در همین گردونه جنگ افروز آتش بیار معرکه قرار دارند. از قلاده به گردن های من و تو و ایران اینترنشنال و بی بی سی فارسی تا قداره به دستان سلطنت و کاسه لیسان امریکا گرفته تا روزی نامه های شرق و انتخاب و اعتماد و ده ها مشابه که به باد «دمکراسی غرب» غش لذت می کنند، دعاگوی قدرت و توان افزون امریکا و اروپا در ویرانی و تشدید جنگ و خونریزی و کشتار بیشتر می باشند.

حیف است زکری هم از دنیای «فرهنگ و هنر» نداشته باشیم. چند هفته پیش بخشِ آخرِ سریالِ تلویزیونی «خاتون» به پایان رسید. این سریال به جانبازان وطن برای دفاع از سرزمینِ مادری و وطن تقدیم شده است!! نویسندهٔ سانتی مانتال که در ضمن کارگردان همین سریالِ سانتی مانتال تر از خودش است معلوم نیست نان سفره اش را از کدام منبعی می آورد که این چنین بی پروا و رسوا، جعل و دورغ را به نام تاریخ، بذل و بخشش می کند. موضوع «داستان»، حضورِ نیروهای متفقین در ایران در زمانِ جنگِ جهانی دوّم می باشد. تنها نکتهٔ حقیقت، یا بهتر است گفته شود نیمه حقیقتِ سریال، همین حضورِ نیروهای متفقین در ایران است؛ و مابقی دروغ محض و ریاکاری است به قصدِ تطهیرِ رضاشاه «وطن پرست» و مخالفِ متفقین؛ که البته همدستِ هیتلرِ نازی می باشد. این دوّمی را البته نویسنده - کارگردان نمی گوید؛ همچون کلّ داستانِ سریال که خلافِ واقعیت است و برای این سرهم بندی شده تا دلِ امپریالیسمِ امریکا و انگلستان شاد شود و مردمِ اکنون، «شوروی متجاوز و خونریز و جنایتکار و آدمکش و هرزه» گذشته را بیشتر بشناسند و آمادهٔ لعن و نفرین و حتی جنگِ با وارثِ آن، روسیه، باشند. جالب این جاست که نیروهای متفقین متجاوز حاضر در سریال، همیشه فقط در هیأتِ شوروی تجسّم پیدا می کنند؛ و شاید تنها یک درصد از انگلیس هم نام برده می شود و دیگر نه. جالب تر این که سریالِ «خاتون» حدود یک سال قبل از بحرانِ کنونی اوکراین آغاز شد و دو ماه پس از آن پایان گرفت. فکر کنم تا همین جا خطُ اتصالی پیوند و قرابتِ این چنین مضحکه هائی با پروپاگاندأ جهانی روس تیزی هدایت شده از اتاق های فکری امپریالیستی و ناتوئی روشن شده باشد و نیازی به هم زدن بیشتر منجلاّبِ تعفن نباشد.

و آیا همهٔ وقایع و تبلیغات و توطئه های ضد روس و نیز ضد چین، خصوصاً در یک دههٔ اخیر، خلق الساعه و بی ارتباط با یک دیگر می باشند؟ جهان سال هاست آستن وقایع بزرگ است و زایمان نوزاد نوین اگر قابله ای قابل و مجرب نداشته باشد فاجعه ای بزرگ موجودیتِ کلّ بشریت را به مخاطره می اندازد. در برابر فاجعه به هر طریق که شده باید ایستاد. مسببان و مقصّران اصلی و فرعی و پادوهای ریز و درشتِ نظمِ کنونی جهان و بحرانِ اخیرِ اوکراین و ریختن خون و آوارگی مردم آن را وجدان عمومی جهان به محاکمه خواهد کشید و گذشتی بر آن ها نخواهد کرد.

محسن اخوی

می ۲۰۲۲